مدیریت شهری
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016
۳۲۵-۳۴۲
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۷/۸ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

بررسی و تحلیل تحولات فرم‌ها و عناصر معماری و شهرسازی سلاجقه، در دوران بَی لیک و تاثیرگذاری آن در ظهور معماری عثمانی

رضا صبوری نوجه دهی* – دانشجوی دکتری باستان شناسی (دوران اسلامی)، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سید علی اصغر میرفتاح – مدرس مدعو رشته باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

تـا همیـن اواخـر، تاریخ هنر و معمـاری دوران اسـلامی ترکیه، بعد از دوران سـلجوقی، هنـر و معمـاری عثمانـی دانسـته می شـد. اما ایـن دیـدگاه امـروزه منسـوخ گردیده اسـت. زیـرا بعد از فروپاشـی سـلاجقه امیرنشـین های خودمختـار ترکمـن در نقـاط مختلـف آناتولـی حضـور داشـتند کـه برخـی از آنهـا تـا قـرن چهاردهـم و برخـی دیگـر حتـی تـا قـرن پانزدهـم دسـتگاه حکومتـی خـود را در مقابـل گسـترش روزافـزون عثمانی هـا محافظـت می نمودنـد. در دوران حاکمیـت بی لیک هـا، هنرمندان، شهرسـازان و معماران طبیعتـاً جهـت برآورده نمودن نیازهای جامعه به طراحی و سـاخت و سـاز ابنیـه مختلف مذهبی و غیرمذهبـی می پرداختند. مطالعات و بررسـی های انجـام پذیرفتـه نشـان می دهـد کـه طراحـی ابنیه و فعالیت هـای سـاختمانی انجـام پذیرفتـه در ایـن دوران در واقـع نقـش حلقـه اتصال معماری سـلجوقی به معمـاری عثمانـی را ایفا نمـوده اسـت. فرم هـا و سـبک هایی کـه در دوران عثمانـی آثـار باشـکوهی را ایجـاد نموده انـد، اگرچه ریشـه در معماری سـلاجقه دارنـد امـا در دوران امیرنشـین های خودمختـار آناتولـی تحـول و تکامـل یافته اند.

واژگان کلیـدی: معمـاری سـلاجقه، معمـاری بَی لیـک، معماری عثمانـی، مسـاجد آناتولی.

The Study and Analysis of Changes in Sultanates Architectural Forms and Elements in Beylik's Era and Their Role in the Rise of Ottomans Architecture

Abstract

Until very recently, the art and architecture of the Islamic era in Turkey after the Seljuk period was known as the Ottoman art and architecture. As if between the fall of Sultanate of Rum and the establishment of Ottoman in 1299 A.D. there was not any artistic or architectural work in Anatoly. Such idea is no longer accepted today, as after the Sultanate of Rum fall, the autonomous Turkmen Emirates were present in the diverse areas of Anatoly, and some of them challenged the increasing spread of Ottoman until the 14th century and in some cases even until the 15th century. Needless to say, in the era of Beyliks, the residents in such Emirates especially artists and architects worked somehow and through their work they designed and constructed religious or general buildings. The conducted studies show that the design and construction of buildings in that period of time was actually a kind of linking element between Seljuqs architecture and Ottoman architecture. In sum, although the forms and styles presented in the magnificent works of the Ottoman era have roots in Seljuq architecture, they have actually developed in the period of Anatoly autonomous Emirates.

Keywords: Seljuqs architecture, Beylik architecture, Ottoman architecture, Anatoly mosques

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۹۹۹۹۷۸۱؛ رایانامه: Sabouri.Archaeologist@Gmail.com

۱. این مقاله از رساله دکتری باستان شناسی با عنوان «بررسی و تحلیل، تاثیرات معماری و تزئینات وابسته دوران اسلامی ایران، بر شهرسازی و معماری عثمانی (از قرن ۱۴ تا پایان عثمانی در ۱۹۲۲ میلادی)» استخراج گردیده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

معماری دوران عثمانی یکی از شاخص ترین شاخه های معماری جهان اسلام است[1]. بهمان نسبت نیز در تاریخ معماری دوران اسلامی کشور کنونی ترکیه، همواره دو بازه زمانی بعنوان شاخصه اصلی معماری دوران اسلامی آناتولی شناخته می شوند. این دو مقطع زمانی مربوط به دوران سلاجقه روم و دوران عثمانی است. اما تحقیقات دهه های اخیر باستان شناسان و محققین تاریخ معماری جهان نشان داد که در دوران بَی لیک، که به لحاظ زمانی حدفاصل سقوط سلاجقه تا برپایی عثمانی را شامل می شود، فرم ها و سبک های معماری تغییرات و تحولات گسترده‌ای یافته‌اند که نتیجه آن ساخته شدن بسیاری از آثار باشکوه دوران اولیه عثمانی در بورسا، ایزنیک و ادرنه می باشد. از این رو، در نوشتار حاضر سعی گردیده تا آندسته از عناصر معماری اصلی که در جریان این تحولات قرار گرفته و منجر به شکوفایی معماری دوران عثمانی شده‌اند، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و با ارائه مثال هایی از بناهای موجود به تشریح روند تغییر و تکامل عناصر مزبور در معماری مذهبی آناتولی پرداخته شود.

ادبیات تحقیق

دوره سلجوقی

ایران پس از سال ۱۰۰۰ میلادی برابر با ۴۹۳ه.ق ایران در ساخت مساجد ملّی معماری غیرقابل انکار و غیرقابل تقلید را دنبال کرد (هانس گابه، ۱۹۹۳، ص ۳). چهار طاقی مهم ترین واحد فضایی معماری ایران در دوره پیش از اسلام بود که نقشی مذهبی داشت. این بنا سمبل کیش پیروان اهورامزدا و محل نگهداری آتش مقدس الهی بود. چهار طاقی پس از تسخیر کشور ایران توسط سپاهیان اسلام، از بین نرفت بلکه با حفظ اصالت به حیات خود ادامه و به خدمت مذهب دیگری در آمد (پورجعفر و آزاد، ۱۳۸۹). هیلن براند می نویسد: «چنین فضاهای گنبددار چه قبلاً آتشکده بودند و چه از اوّل به عنوان مسجد ساخته شده اند،گاه با حیاط گاه بدون حیاط (بروجرد). بدون شک بخش اولیهء بیشتر مساجد ایرانی قرون وسطی مثل«سجاس» همین فضای گنبددار است» (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲). با ورود چهار طاقی در قلب مساجد ایرانی جهت قبله و اهمیت سالن محراب در آنچنان شان و مرتبه ای قرار گرفت که تاکنون در طول قرن ها این نقشه بدون تغییر باقی مانده است (متدیّن، ۱۳۸۶، ص ۴). وجود مساجد کوچک با ایوان و گنبدخانه خود ضمن تاکید به ویژگیهای ایرانی مساجد نمونهء شاخصی از حرکت به سمت قبله می باشند که در آناتولی تازه مسلمان شده سلجوقی[2] نیز به عنوان مساجد کوچک ساخته شده اند (متدیّن، ۱۳۸۶).

۱. معماری عثمانی به سبک معماری که در قرن چهارده و پانزدهم در امپراتوری عثمانی در شهرهای بورسا و ادیرن به وجود آمد اطلاق می‌گردد. معماری امپراتوری نسخه توسعه یافته معماری سلجوقی است و از معماری بیزانسی، ایران و همچنین سنن مملوکی بعد از سقوط قسطنطنیه الهام گرفته است. برای حدود چهارصد سال آثار معماری بیزانسی مانند مسجد ایاصوفیه به عنوان الگویی برای بسیاری از مساجد عثمانی استفاده می‌شد. به طور کلی معماری عثمانی به عنوان ترکیبی از معماری عثمانی با سنن معماری مدیترانه و خاورمیانه شناخته می‌شود.

۲. سلجوقیان قبیله‌ای از نژاد ترکان اُغوز بودند و نام خود را از سلجوق یکی از رؤسای خود گرفتند. آنها پس از گرایش به اسلام از اُغوزها جدا شدند و به خدمت سامانیان در آمدند و در حومه سمرقند سکنی گزیدند. سپس سلطان محمود غزنوی به سلجوقیان اجازه سکونت در منطقه خراسان را در این اسکان نخستین هسته مرکزی سلطنت آنان را که در عرض نیم قرن امپراتوری منسجم ولی مستعجلی بود، تشکیل داد. این امپراتوری به‌تدریج گسترش یافت و شامل همه آسیای صغیر نیز شد و تحولات نژادی و زبانی وسیعی در مناطق مختلف به‌وجود آورد. از این زمان به بعد ترکان سرتاسر آناتولی را گرفته و زبان و نژاد خود را تحمیل نمودند. در منطقه آذربایجان نیز تحولاتی از این دست صورت گرفت؛ اما مرکز ایران با جذب ترکان و ایرانی کردن آنها روش متفاوتی را در پیش گرفت. سلجوقیان در سال ۴۳۱ صاحب کل خراسان شدند و به طرف مرکز ایران روی آوردند و شهر ری و اصفهان را تصرف کردند. طغرل رهبر آنها در سال ۴۴۷ وارد بغداد شد و از خلیفه وقت لقب سلطان دریافت نمود و بازوی نظامی خلافت عباسی گردید. سپس جانشین او الب ارسلان، آذربایجان، شمال بین‌النهرین و سوریه را تصرف کرد و سپس بر امپراتور بیزانس غلبه نمود و راه نفوذ سلجوقیان به آناتولی گشوده شد. سپس ملک‌شاه پسر او، نظام‌الملک را که یکی از فرهیختگان ایرانی بود و سیاستمداری بزرگ و توانا و نماینده طبقه حاکم ایرانی و مشاور پدرش به‌شمار می‌آمد، به وزارت خود برگزید. ارکان امپراتوری سلجوقی علیرغم شکوه و جلال ظاهریش، سست و رو به نابودی بود. این قوم صحرانشین فاقد مفهوم ملت و حکومت بودند و سرزمین‌های مفتوحه را ملک شخصی خانواده خان می‌پنداشتند. تا زمان مرگ سنجر در سال ۵۵۲ سلطنت سلجوقیان، در خراسان و ماوراءالنهر ادامه یافت. این مناطق بعداً تحت سلطه یک سلسله ترک نژاد دیگر یعنی خوارزمشاهیان قرار گرفت....

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شهرسازی و معماری آناتولی و عثمانی

در قـرن نهـم هجری (قرن پانزدهم میلادی یـا آغاز دوران رونسـانس اروپـا)، اسـلام بـا گسـترش خود رو به سـمت شـمال تا سـرزمین های جنوبی روسـیه، در آسیای صغیر (آناتولـی یـا ترکیه امـروزی) پایگاهی معتبـر یافت. با فتح قسـطنطنیه (اسـتانبول) بـه دسـت سـلطان احمـد دوم معـروف بـه «فاتح» و روی کار آمدن سلسـله عثمانیان در سال ۸۵۷ هـ. ق، هنر و سبک معماری دوره عثمانی شکل گرفت. مسـاجد ترکیه به ویژه مسـاجد جامـع عثمانی در اسـتانبل- پایتخـت مرکزی دولت عثمانـی- پایه کار خود را بـر موازیـن معمـاری «بیزانس» منطبق سـاختند.از بنا هـای معـروف ایـن دوران می توان مسـجد «سـلیمانیه» و «مسـجد سـلیمیه» را نام برد. پس از گسـترش اسـلام بـه آسـیای صغیـر، ایـن منطقـه تا قـرن هفتم و هشـتم هجـری زیـر سـلطه‌ی حاکمـان سـلجوقی بـوده بنابراین اولین بناهای اسـلامی احداث شـده رنـگ و بوی معماری اسـلامی ایـران را دارنـد. پـس از سـلجوقیان، عثمانیـان مسـلمان حکومـت را در دسـت گرفتنـد و در قـرن نهـم هجـری به یک قـدرت رعب انگیز بدل شـدند[1]. حاکمیت عثمانیـان نقطـه‌ی اوجی بـرای هنر اسـلامی این منطقه بخصـوص در معماری بوده و محققاً می‌تـوان عنوان نمود کـه مسـاجد ترکیـه در ردیـف زیباتریـن مسـاجد جهان قـرار دارنـد. مکتـب عثمانی با تکیـه و اسـتفاده از عناصر معمـاری بیزانـس بـه خصوص کلیسـای ایاصوفیـا هویت خـود را تثبیـت نمـود معماری مکتـب عثمانی بـه مانند مکتب اسـپانیا از تفکر اولیه اسـلام پیروی ننموده اسـت. در ایـن شـیوه شـاهد توجـه بیـش از حد معمـار به نمای بیرونی بنا هسـتیم. اسـتفاده از نمای بیرونی پر ابهت و با شـکوه، تعـدد گنبدهای فرعـی، قوس‌های پلکانـی نیز در ایـن معمـاری دیده می‌شـود. ویژگی‌هـای مکتب عثمانی عبارتند از:

۱- گنبد خانه‌ی مرکزی وسیع و فراخ؛

۲- شبستان‌ها در طرفین گنبدخانه؛

۳- توجه به نمای بیرون بنا (نمای بیرونی پر ابهت)؛

۴- گنبد مرکزی و نیم گنبدها فرعی متعدد؛

۵- استفاده از طاق‌های پلکانی؛

۶- مصالح اولیه سنگ؛ و

۷- اسـتفاده از مناره‌هـا در چهـار سـوی بنـا بـه شـیوه‌ای بیزانسی.

این مسـاجد از مکعب سـاده گنبددار به اضافه دهلیزهای کناری تشـکیل شـده اند، مانند مسـجد علا الدین بورسه ۷۳۶ق ۱۳۳۵م. (هیلـن برانـد، ۱۳۷۷، ص ۱۵۴). الگـوی دیگـر در ایـن زمـان، طـرح فضایـی صلیبـی شـکل یا T برعکـس می‌باشـد که برای اولین بار در مسـجد سـلطان بایزید در آماسـیه ۸۱۷ق ۱۴۱۴م دیده شـده اسـت. طرح T برعکـس محـور محراب را با دو گنبـد متصل به هم در امتـداد محـور مرکزی کـه با ردیفـی از دهانـه های گنبد دار یا طاق دار در هر طرف مشـخص می شـود برجسـته مـی سـازند. تمـام اینها نیـز از پهلو به وسـیله یـک ایوان پنـج گنبدی در هم تنیده شـده اند. نفوذ مـداوم بیزانس را مـی تـوان به عینـه در تکامـل معمـاری عثمانی، حتی پیش از اینکه اشـغال اسـتانبول معماران ترک را در پیش روی ایاصوفیـه قرار دهد ،مشـاهده کرد. یـک امر مهم که در ایاصوفیه امری میانی و در معماری عثمانی کلیشـه‌ای بـود و هنوز وارد معماری مسـجد ترکی پیـش از آن تاریخ نشـده بـود، اسـتفاده از دو گنبد متوسـط در طـول محور محـراب بـود که حکم پشـت بنـد گنبد اصلی را داشـتند (هیلن برانـد، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷).

مسجد شـاهزاده (اسـتانبول)؛ مسجد شـاهزاده یا شهزاده یکی از مسـاجد شـهر اسـتانبول در ترکیه اسـت. سلطان

...تا این‌که این سلسله در مقابل تهاجم مغولان در سال ۶۱۶ از پای درآمد. دوره سلجوقی یکی از ادوار خلاقه جهان اسلام است. در این دوره در همه زمینه‌های هنری پیشرفت‌هایی باشکوه صورت گرفت که از نظر سبک تفاوت‌های منطقه‌ای وجود داشت. در زمینه معماری عناصر رنگی وارد شد و از آجر برای تزئین بهره گرفته شد. سبک چهره‌های جانوری ادامه هنر ساسانی بود. پیکره‌های انسانی گاهی به‌طور مستقل در تزئینات سفالینه‌ها به‌کار می‌رفت و به‌صورت طاق یا جفت و اغلب درون طرح‌های هندسی تصویر می‌شد.

۱. برای آشنایی بیشتر با معماری دوره سلجوقی مراجعه کنید به: ویلبر، دونالد؛ معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقی؛ ترجمه عبدالله فریار، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۵. و برای آشنایی بیشتر در این باره رجوع کنید به: کیانی، محمد یوسف، یادگارهای رباط شرف، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۱. مسجد ایاصوفیه؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

سلیمان اول از معمار سینان می‌خواهد که به یاد فرزندش محمد که در سال ۱۵۴۳ درگذشته بود یک مسجد بسازد. ساخت این مسجد که در سال ۱۵۴۴ آغاز گردیده بود در سال ۱۵۴۸ به پایان رسیده‌است. این مسجد که در مرکز شهر واقع شده، در بین مدرسه‌ها مقبره‌ها و عمارت‌ها ساخته شده‌است. دو مناره آن از نظر معماری بی نظیر است بسیار جلب توجه می‌نماید. این ساختمان که از نظر ابعادی و خطوط زیبا با سایر مساجد متفاوت است اولین اثر مهم معمار سینان است. دراطراف آن مقبره‌های بسیاری وجود دارد.

مسجد سلیمانیه؛ این مسجد به همراه گنبد و چهار مناره بلند و باریکش در قسمت غربی خلیج استانبول قرار گرفته است. این مسجد که یکی از زیباترین مساجد موجود در شهر استانبول می باشد در فاصله سالهای ۱۵۵۰ تا ۱۵۵۷ میلادی توسط معمارسنیان که یکی از معروف ترین معماران دوره طلائی امپراطوری عثمانی به شمار می آمده، ساخته شده است. بنای این مسجد از نقطه نظر محل قرار گیری آن که در بالا ترین نقطه یک تپه می باشد، بسیار مناسب است. به علاوه چهار مناره موجود در این مسجد که در چهار طرف حیاط آن قرار گرفته در نگاه اول کاملا جلب توجه می کند. در قسمت داخل مسجد محراب و منبری از سنگ قرمز کنده کاری شده وجود دارد و پنجره ها به شیشه های رنگی مزین است. در باغهای این مجموعه آرامگاه سلیمان و همسرش خرم سلطان قرار دارد. ضمن اینکه مقبره معمار سنیان نیز در نزدیکی همین مسجد قرار گرفته است. علاوه براینها چهار مدرسه دینی، یک مدرسه طب، یک کاروانسرا، حمام ترکی، آشپزخانه و آسایشگاهی برای فقرا در این مجموعه به چشم می خورد. این مسجد را معمار بزرگ عثمانی خواجه معمار سنان آغا به‌دستور پادشاه عثمانی سلطان سلیمان اول طرح کرد. ارتفاع گنبد این مسجد ۵۳ متر و قطر گنبد ۲۷*۵ متر است. بنا به سنت عثمانی این مسجد چهار منار (گل‌دسته) دارد که نشانه مسجدهائی است که به امر شاهان ساخته می‌شد. سبک معماری آن، مانند دیگر کارهای سنان و معماران عثمانی ترکیبی از سبک معماری بیزانسی و اسلامی است. بر پایه رسم آن دوره این مسجد دارای ساختمان‌های جنبی مانند مدرسه و حمام و کتابخانه و کاروانسرا و بیمارستان و آشپزخانه عمومی نیز بوده‌است. این‌گونه ساختمان‌های جنبی را «کلیه مسجد» (به ترکی عثمانی «جامی کولیه‌سی») می‌نامیدند.

بنای «ایاصوفیه» در میدان «سلطان احمد» استانبول

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۳. سیر تحول مساجد آناتولیایی از آغاز اسلام تا قرن ۱۱، ماخذ: نصرت پور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۹۰.

دسته‌بندی مساجد آناتولی	مساجد گنبددار اولیه	معماری عثمانی پیش از ۸۵۷ ه.ق ۱۴۵۵م	سبک پیشرفته عثمانی
ویژگیها	تقلید از گونه عربی و رنگ و بوی ایرانی؛ ایوان برای درگاه و برای ورودی های شبستان؛ تاکید روی فضای گنبددار؛ ارجحیت با مساجد سرپوشیده بدون حیاط بود؛ بکار بردن اشکال گنبد دار که ریشه ای آناتولیایی دارد؛ وجود نقوش هندسی و گل و بته و خطاطی روی سنگ که متاثر از هنر ارمنی و بیزانس بوده است؛	مکعب ساده گنبددار+ دهلیزهای کناری؛ فرم شبیه به آرامگاههای بزرگتر در جهان اسلام و ساده ترین اشکال مساجد ایرانی؛ درسقف سبک آناتولیایی دارند و در شبستان سبک عربی؛ طرح فضایی صلیبی شکل یا T برعکس؛ تکیه بر گنبد مرکزی بجای تکیه بر محراب؛	استفاده از دو گنبد متوسط در طول محور محراب به عنوان پشت بند گنبد اصلی؛ سیمای خارجی موج‌دار بوجود آمده توسط گنبدهای چندتایی؛ مناره های مدادی شکل بلند؛ ارتباط تزئینات اندک خارجی با حجاری ظریف توالی فضاهای نیم گنبدی در اطراف گنبد اصلی و در طول محور اصلی؛ قوسهای عظیم جهت تقسیم بندی فضا؛ آگاهی و اهمیت دادن به توپوگرافی و مجموعه سازی؛ تقسیمات ۹ قسمتی گنبد مرکزی با افزایش تمرکز روی گنبد مرکزی؛ استفاده از گوشواره بیزانسی؛ شبستانهای چهارستونی؛
تاثیرپذیری نمونه‌ها	چهار طاقی های ایرانی؛ شبستانهای عربی؛ تاثیر از تزئینات ارمنی و بیزانس؛ مساجدشهرهای: ارزروم، قیصری، نیده، سیوری حصار، مسجد علاءالدین ۶۲۰ق	فرم آرامگاههای بزرگتر در جهان اسلام و ساده ترین اشکال مساجد ایرانی؛ هشتی ورودی کلیساهای اواسط بیزانس؛ مسجد حاجی ازبک، ایزنیق ۷۳۴ ق؛ مساجد: علاءالدین بورسه۷۳۶ق؛ جامع سبز ایزنیق ۷۸۰ق؛ سلطان بایزید آماسیه ۸۱۷ق؛ جامع قدیمی ادرنه ۸۵۶ق؛ اوچ شرف لی ادرنه ۸۵۱ق	فرم گنبدهای بیزانسی؛ مسجد فاتح۸۶۷-۷۵ق؛ مسجد بایزید دوم ۹۱۳ ق؛ مسجد سلیمانیه در استانبول ۹۳۶ق؛ مسجد شاهزاده ۹۵۵ ق؛ مسجد سلیمیه۹۸۲ق؛ ادرنه مسجدسلطان‌احمد۱۰۲۵ق؛

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

در ترکیـه، یکـی از بزرگ‌تریـن اثرهـای تاریخـی دوران بیزانـس اسـت و در زمان کنسـتانتینوس اول بنا شـد که بـه مـدت ۹۱۶ سـال بـه عنـوان کلیسـا و به مـدت ۴۸۱ سـال در دوران عثمانی‌هـا بـه عنـوان مسـجد فعـال بود. ایـن بنـای تاریخـی به دسـتور آتاتـورک در سـال ۱۹۳۵ بـه موزه تبدیـل و در خدمت صنعت توریسـم قرار گرفت. در بنـای ایاصوفیه تدبیر هوشـمندانه‌ای بـرای هماهنگی طاق‌هـا و سـتون‌ها بـه کار رفتـه اسـت. ۴ سـتون عظیم از سـنگ خـارای مصری، شـبیه پـای فیل، ۴ طـاق بالا را نگاهداشـته، و گنبد بر روی آن‌ها آرمیده اسـت. در سـاقه گنبـد، حلقـه‌ای از ۴۰ پنجـره نزدیک به هم قـرار گرفته، کـه نـور از آن‌هـا بـه درون می‌تابـد. ژرفای گنبـد ۱۸ متر و بلنـدی گنبـد ۵۶ متـر از سـطح زمین اسـت و قطر آن ۳۳ متـر اسـت کـه پشـت‌بند آن دو نیـم گنبد اسـت. که خـود در هر پهلو بـر یک تورفتگی سـتون‌دار کوچک قرار دارنـد. در طرفین فضای بسـیار بـزرگ مرکزی، با گنبدی بـه بلنـدی ۵۶ متر از کف دو طبقه، راهه جانبـی قرار دارد کـه بـار گنبـد را منتقـل می‌کند بـه قوس‌هـای عظیمی کـه سـینه سـردرهایی پـر پنجـره را در بـر گرفته اسـت. ردیـف دیگـری از پنجـره در پائین و دور تـا دور گنبد قرار دارد. این بنا مجموعاً ۱۰۷ سـتون و ۹ در دارد؛ بزرگ‌ترین آن‌هـا در وسـطی اسـت با چارچـوب برنزی و قـاب مرمر کـه مخصـوص ورود امپراتـور بـود. بنا کلاً از آجر سـاخته شـده، و با مرمر پوشـانده شـده. دیوارهای آن با معرق‌های آجین شـده به سـنگ‌های قیمتی تزیین یافته اسـت. در تزیینـات بنـای آن، از فلـزات گران‌بهـای منتسـب به هنر بیزانسـی اسـتفاده شده است. سـتون‌های مرمرین این بنا از معبـد «آرتمیـس» و نیـز از نقاط مختلف دنیـا به آن‌جا آورده شـده اسـت. در حیاط داخلـی، فواره‌هایی برای وضو قـرار دارد. در زوایـه‌ی جنوبی مسـجد به جای گلدسـته‌ای از جنـس سـنگ، گلدسـته‌ای آجریـن بنا گردیده اسـت. موزاییک‌هـا و تزیینـات داخلـی ایاصوفیـه نیـز از اهمیت بسـیاری برخـوردار اسـت. از تزیینـات بی‌نظیـر ایـن بنـا در منابـع قدیمـی بـا سـتایش فـراوان یـاد شـده اسـت. از زیباتریـن بخش‌هـای ایـن بنـا، تزیینـات ایاصوفیـه و موزاییک‌های بیزانسـی آن اسـت. در میان آن‌ها قطعات و تابلوهای سـاخته شـده از طلا، نقره، مرمر و سفال لعاب‌دار رنگارنـگ دیده می‌شـود. تابلوهـای موزاییـک ایاصوفیه را می‌توان بر سـطح داخلـی نیم گنبدها، دیوارهـا، طاق‌ها و رواق‌هـا و بـر سـردر ویژه‌ی امپراتـور دید.

تداوم معماری سلجوقی در آناتولی

اسـاس و بنیـان معماری سـلجوقی در آناتولـی هیچگاه از بیـن نرفـت، نه تنها در دوران بعد از سـقوط سـلاجقه روم کـه حتـی در دوران حاکمیـت امیران منطقـه‌ای و حتی در سـده‌های نخسـتین امپراتـوری عثمانـی سـبک‌های معمـاری و اصـول تزئینـات وابسـته همچنـان در میـان هنرمنـدان آناتولی رایج بـود. «در قرن ۱۴میلادی و بعد از آن سـبک سـلجوقیان بطور کامل ناپدید نشده بود، حتی در دوره حاکمیت مغول بناهای سـاخته شـده‌ای همانند دارالشـفاء آماسـیه (۱۳۰۸/۹) کاملاً طـرح یک مدرسـه دوران سـلجوقی را نشـان می-دهنـد» (Altınay: ۱۹۲۴: ۳۳). خصوصـا در مرکـز آناتولـی بناهـای بسـیار زیـادی همچنان پایدار از دوران سـلجوقیان باقی مانده اسـت. در این مناطق سـبک سـلجوقی بلافاصله با سـقوط سلاجقه پایـان نپذیرفـت و تـا مدت‌هـای طولانی به همان شـکل و فـرم ادامـه یافـت. «در قـرون ۱۴ و ۱۵ میلادی حاکمان امیرنشـین‌ها اقدام مشـترکی را انجام دادند و آن سـاخت بسـیار حجیـم و گسـترده ابنیه اسـلامی بـود. ایـن بناها بشـدت تحت تاثیـر معماری سـلجوقی بودنـد و در برخی مـوارد می‌تـوان گفـت کـه حتـی تقلیـد و مشابه‌سـازی انجـام گرفتـه اسـت، خصوصـا آندسـته از بناهـای ابتدای قـرن ۱۴ میـلادی کـه با تقلید کامـل از بناهـای قرن ۱۲ میلادی سـاخته شـده‌اند از این دسـت هسـتند. مسـلما اسـتادان معماری این دوره با آشـنایی‌هایی که از معماری دوران سـلجوقی در جنـوب بـا سـوریه و بین‌النهریـن، و در شـمال شـرق آناتولـی بـا ایـران و آذربایجان داشـتند، از عناصـر معمـاری ایـن سـرزمین‌ها الگوبـرداری بسـیار نمودنـد» (Akmaydalı: ۱۹۹۴: ۱۲۳).

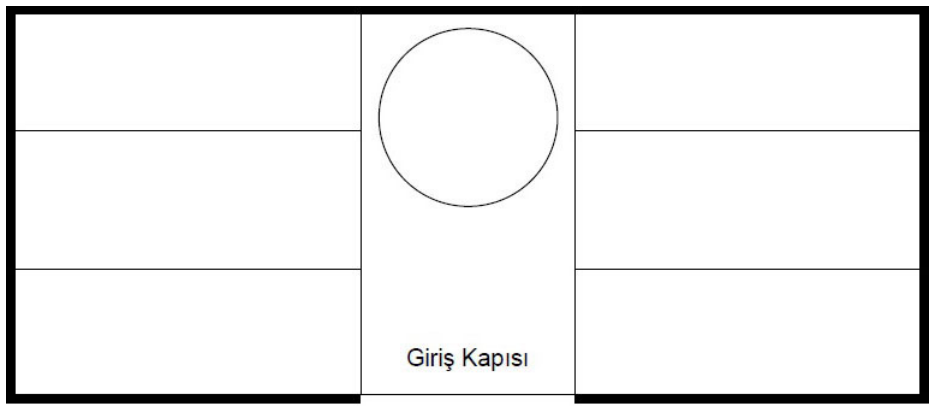
بیان یافته‌های تحقیق

تحـولات فرم‌هـا و عناصـر معمـاری در دوران بَی‌لیـک [۱]

گفتنـی اسـت کـه بیشـترین میـزان تغییـر و تحـولات

۱. Beylik Dönemi / بی‌لیک یا بیگ‌لیک نامی است که برای این دوره از تاریخ آناتولی استفاده می‌گردد. در این دوران که بعد از دوران سلاجقه روم و پیش از استقرار عثمانی‌ها را شامل می‌گردد، سرزمین آناتولی فاقد حکومت مرکزی بود و در قسمت‌های مختلف توسط امیرنشین‌های خودمختار اداره می‌گردید. امیرنشین عثمانی نیز که بعدها قدرت مطلق را در دست گرفت یکی از این امیرنشین‌های خودمختار بود.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



شکل ۱. تیپ معمول مساجد دوران سلاجقه روم در آناتولی؛ ماخذ: KARASU, ۲۰۰۹: ۲۴

معمـاری در امیرنشـین های غـرب آناتولـی اجـرا گردید. بـرای نمونه، تغییـرات اعمال شـده در فرم هـای معماری را بیـش از هرچیـز دیگـر می تـوان در مسـاجد و مدارس امیرنشـین های سـاروخان ، آیدیـن اوغلـو ، منتشـه اوغلو و امیرنشـین عثمانی مشـاهده نمـود. اما امیرنشـین های مناطـق مرکـزی آناتولـی به نسـبت سـایر امیرنشـین ها کمتـر دچـار تغییـر و تحـول گردیدنـد. بعنوان مثـال، دو امیرنشـین «کارامـان» و «اشـرف اوغلـو» بـه سـبک ها و تکنیک هـای معمـاری سـلجوقی وفـادار مانـده و در معمـاری خـود فنـون سـلاجقه را ادامـه دادنـد. «سـبک سـلجوقی نیـز پس از سـقوط دولـت سـلجوقیان بتدریج دسـتخوش تغییـرات و تحولاتی گردید. امـا همانگونه که ذکـر شـد این تغییرات بسـیار آهسـته بـود و در مناطقی همانند امیرنشـین کارامـان تا مدت هـای مدید همچنان بـدون تغییـر تـداوم داشـت» (Kuban, ۲۰۰۷: ۶۳).

بدین ترتیـب ابنیـه دوران عثمانـی علیرغـم اینکه ریشـه در معمـاری و تکنیک هـای تزئینی دوران سـلجوقی دارد اما در دوران امیرنشـین-های خودمختـار (دوران بَی لیک) دسـتخوش برخی تغییرات و تحـولات فنی گردیده اند که بدون شـناخت ایـن تغییرات، شـناخت و تحلیل معماری اسـلامی آناتولـی خصوصـا معمـاری عثمانـی امکان پذیر نمی باشـد. از جملـه تغییـرات و نوآوری هـای ایـن دوران مـوارد ذیل می باشـد:

۱- افزایـش مسـاحت ابنیـه و بـه تبـع آن افزایـش متراژ فضـای مفیـد بناها؛

۲- اتصـال حیـاط بناهـا بـه شبسـتان یـا فضـای اصلـی بگونـه ای کـه درب اصلی شبسـتان به حیاط باز می شـد؛

۳- ساده نمودن فرم سردرهای ورودی؛

۴- برابر نمودن حجم فضاهای پر و خالی؛

۵- اسـتفاده از سـنگ مرمـر بـرای تزئینـات و نماسـازی بناها؛ و

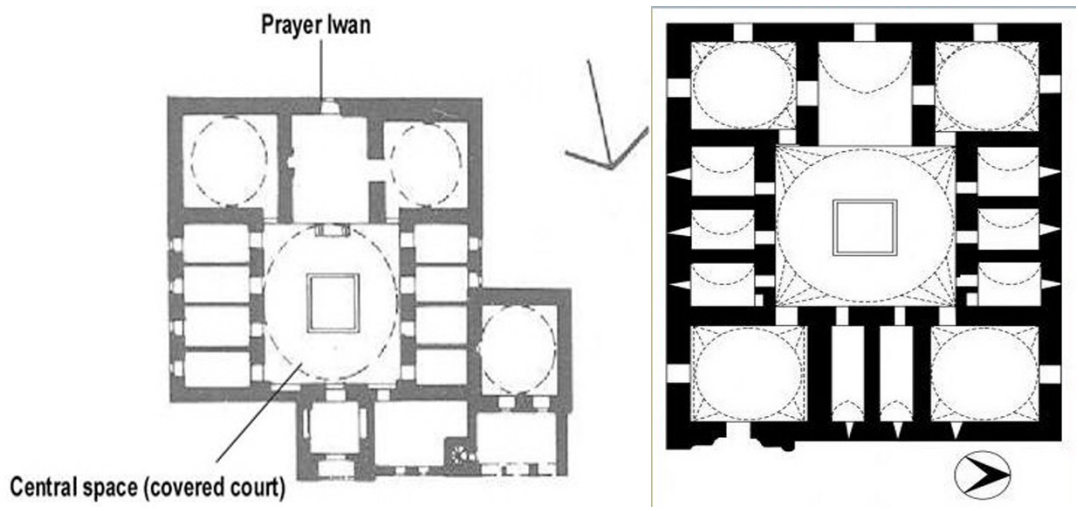
۶- هماهنـگ نمودن و متقارن نمـودن فضاهای داخلی و خارجی بناها.

شبستان

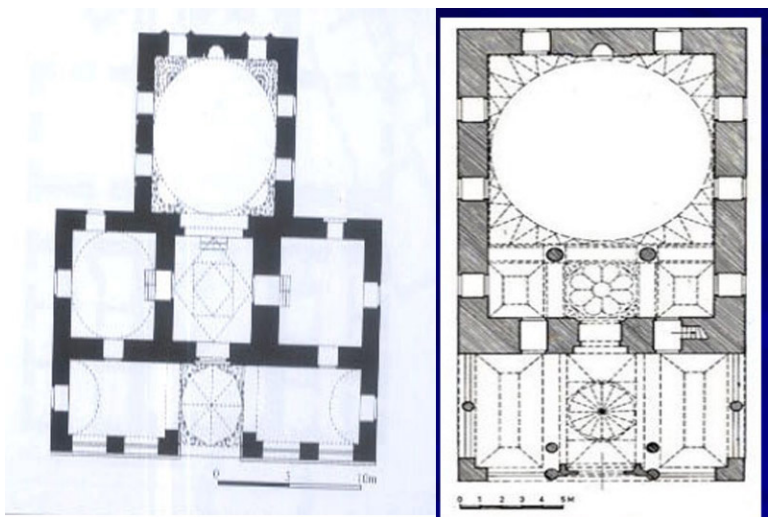
تیپ کلی مسـاجدی که در دوران سـلاجقه در شـهرهای مختلـف آناتولـی سـاخته شـده اند، مسـاجدی هسـتند با شبسـتان سـتوندار و بیشـترین تعداد سـتون. مسـاجد جامع شهرهای سـیواس، نیکسار، توکات، قونیه، دیوریغی و ارزروم، شـباهت قابـل توجهی به مسـجد اموی دمشـق و «مسـجد جامـع کوردوبـا» دارنـد. به اسـتثنای مسـجد جامـع سـیواس مابقی موارد ذکر شـده در شبسـتان و در فضـای مقابل محراب دارای سـقفی بـا یک گنبد کوچک هسـتند. این قبیـل گنبدها هیچگاه در حـدی نبودند که شبسـتان مسـجد را از وجود سـتون-های فـراوان بی نیاز کنند (شـکل شـماره ۱).

بناهایـی کـه شبسـتان آنهـا بواسـطه وجود تـک گنبدی بـزرگ در سـقف، تعـداد سـتون کمتـر داشـته باشـند، بصـورت محـدود و پراکنـده در دوران سـلاجقه در برخی شـهرها سـاخته شـده بـود. امـا به تیـپ کلـی و عمومی تبدیل نگردیده و در تمامی شـهرها مـورد الگوبرداری قرار

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



شکل ۲. سمت راست: مدرسه کاراتای قونیه؛ و سمت چپ: مدرسه اینجه مناره قونیه (دوران سلاجقه روم)؛ ماخذ: Günay, ۲۰۱۴ : ۵۶



شکل ۳. سمت راست: مسجد سبز ایزنیک؛ و سمت چپ: عمارت فیروز بیگ در میلاس؛ ماخذ: Kuban, ۲۰۰۷: ۹۵

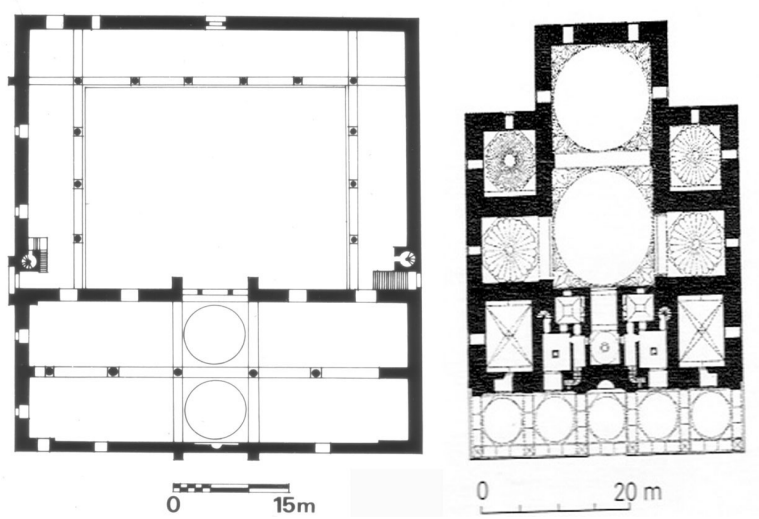
نگرفته بود. بعنوان نمونه می توان از بناهایی همانند اینجه مناره قونیه و مدرسه کاراتای قونیه نام برد که دارای یک گنبد بزرگ در بالای محل شبستان بوده‌اند (شکل شماره ۲).

حال تفاوت در اینجا بود که در دوران امیرنشین‌ها مساجدی با یک گنبد بزرگ برروی محل شبستان و به تبع آن تعداد اندک ستون‌ها به فرم و تیپ رایج معماری تبدیل شده و در تمام شهرها بسرعت گسترش یافت. از نمونه‌های شاخص این گروه از بناها می توان موارد ذیل را نام برد:

۱- امیرنشین عثمانی: بنای حاجی ازبک ساخته شده در سال ۱۳۳۴ در ایزنیک، بنای مسجد سبز ساخته شده در سال ۱۳۷۹ در ایزنیک، و عمارت فیروزبیگ در میلاس که در سال ۱۳۹۶ ساخته شد (شکل شماره ۳).

۲- امیرنشین کارامان اوغلو: مسجد لال آقا در موت ساخته شده به سال ۱۳۵۶، بنای هاس بیگ در قونیه که در سال ۱۴۲۱ ساخته شد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



شکل ۴. سمت راست: مسجد سبز بورسا؛ و سمت چپ: مسجد عیسی بیگ در میلاس؛ ماخذ: Kuban, ۲۰۰۷: ۱۱۰

۳- امیرنشین منتشه اوغلو: مسجد الیاس بیگ در بالات ساخته شده در سال ۱۴۰۴.

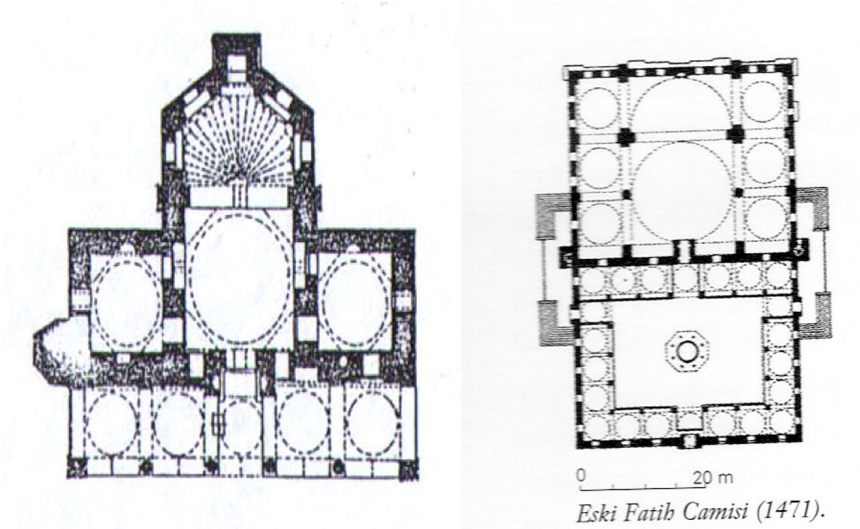
مساجد با دو گنبد کوچک بهم چسبیده

بنظر می‌رسد در دوران امیرنشین‌ها، برای بدست آوردن فضای سرپوشیده وسیع بدون ستون، که نیازمند ساخت گنبدهای بزرگتر بود، هنوز امکانات مالی و تکنیک‌های فنی در اختیار معماران قرار نداشت. اما در نهایت، ابتکار جدیدی اعمال گردید، بدین ترتیب که دو گنبد کوچک چسبیده بهم و در کنارهم ساخته شد تا بخش قابل توجهی از سقف را پوشش دهد بدون آنکه نیاز به ستون باشد. مسجد ایلدریم در بورسا (۱۳۸۹)، مسجد سبز بورسا (۱۴۲۴) مسجد عیسی بیگ در امیرنشین آیدین اوغلو (۱۳۷۵)، از نمونه‌های قابل ذکر و اولیه این گونه مساجد هستند (شکل ۴). «مسجد بزرگ ایلدرم در بورسا با تعداد زیادی گنبدهای دوتایی (جفت جفت در کنار هم) ساخته شدند که همگی تحت تاثیر فرم و پلان معماری دوران‌های قبل آناتولی بودند. این دسته از بناها که همگی مربوط به دوران عثمانی بوده و تماما نشانگر آغاز تغییرات و تحولاتی از جمله استفاده مضاعف از چوب و الوار چوبی در ساخت بنا و تزئینات آن است. از این دوران به بعد در غرب آناتولی و در تمام مناطق امیرنشین‌های ترکمانان تمامی مساجد جامع ساخته سبک و فرم عثمانی را بخود می‌گیرند که بگونه‌ای تحول یافته ادامه مسجد آیدین اغلو می‌باشند» (Akıncı, ۱۹۹۵: ۲۲۱).

مساجد با دو گنبد و نیم گنبدی در میان آنها

باید توجه داشت علیرغم اجرای سبک جدید و ادغام فضاهای زیر دو گنبد باهمدیگر هنوز فضای بسیار بزرگ مورد انتظار تحقق نیافته بود. بدین ترتیب تدبیر جدیدی نیاز بود، تدبیر جدید چنین بود که در میان دو گنبد یک نیم گنبد اجرا گردید. اولین نمونه این فرم از بناها نیز مسجد واقع در مجموعه بنای عمارت سبز در شهر تیرهَ در امارت آیدین اوغلو بود. مسجد مزبور که احتمالا در سال ۱۳۳۴ ساخته شده اولین نمونه این گونه جدید از معماری بود. بزرگترین نمونه این مساجد نیز مسجد قدیم فاتح در استانبول بود که در زمین لرزه سال ۱۷۶۵ بکلی تخریب گردید. عملیات ساختمانی مسجد اوچ شرفلی در ادرنه در سال ۱۴۴۷ پایان یافت این مسجد دارای گنبدی به ارتفاع ۲۴ متر و قطر ۱۰ متر بود. که برپایه نیم گنبد عظیم استوار گشته است. بدین ترتیب با ترکیب تکنیک مسجد تیره و اوچ شرفلی سبکی پدید آمد که حاصل آن مسجد اولیه فاتح در استانبول بود. اضافه نمودن نیم گنبد به ساختار گنبداصلی با توجه به اصل تقارن نیازمند اضافه نمودن یک نیم گنبد دیگر به طرف مقابل است. مسجد بایزید که در سال ۱۵۰۶ عملیات ساختمانی اش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



شکل ۵. سمت راست: مسجد فاتح قدیم؛ و سمت چپ: عمارت سبز در تیرهٔ؛ ماخذ: Oğuz, ۲۰۰۶: ۶۵

پایان پذیرفت توسط معمار خیرالدین یک نیم گنبد در مقابل نیم گنبد اول قرار داده شد و بدین ترتیب سبک مزبور رسما جاافتاد. در بررسی پلان بایزید چنانچه بطور فرضی نیم گنبد شمال غربی را حذف کنیم تصویر پلان مسجد فاتح آشکار می گردد (شکل شماره ۵). در اینجا لازمست نکته ظریفی نیز توضیح داده شود مبنی براینکه، مطالعات تاریخی نشان می دهد در دورانی که در برخی از امیرنشین ها روند افزایش متراژ شبستان بدون ستون در دستور کار قرار داشت در برخی نقاط امیرنشین عثمانی از جمله در شهر استانبول همچنان براساس سبک دوره سلاجقه مساجد تک گنبدی با یک گنبد کوچک ساخته می شدند. از جمله آنها می توان به مساجد محمود پاشا (۱۶۴۴) و مرادپاشا (۱۴۶۶)، اشاره نمود که همانند دو مسجد داودپاشا (۱۴۶۵) و فیروزآقا (۱۴۹۱) بصورت مساجد کوچک تک گنبدی ساخته شدند.

گنبدمرکزی و چهارنیم گنبد اطراف آن

مسجد با گنبد اصلی مرکزی با قطر ۹ متر که چهار نیم گنبد اطراف آن ایجاد و اضافه گردیده است را می توان در ساختار مسجد فاتح پاشا (۱۵۲۲) مشاهده نمود. اما باشکوه ترین و موفق ترین نمونه اولیه این سیستم مسجد شاهزاده (۱۵۴۸) است که توسط معمار سینان ساخته شد. مسجد مهری ماه در منطقه اسکودار که آنهم ساخته سینان است با سه نیم گنبد در ۱۵۴۷ ساخته شد. بررسی ها نشان می دهد که مسجد مهری ماه بعنوان الگوی مسجد شاهزاده مورد استفاده قرار گرفته است (شکل شماره ۶).

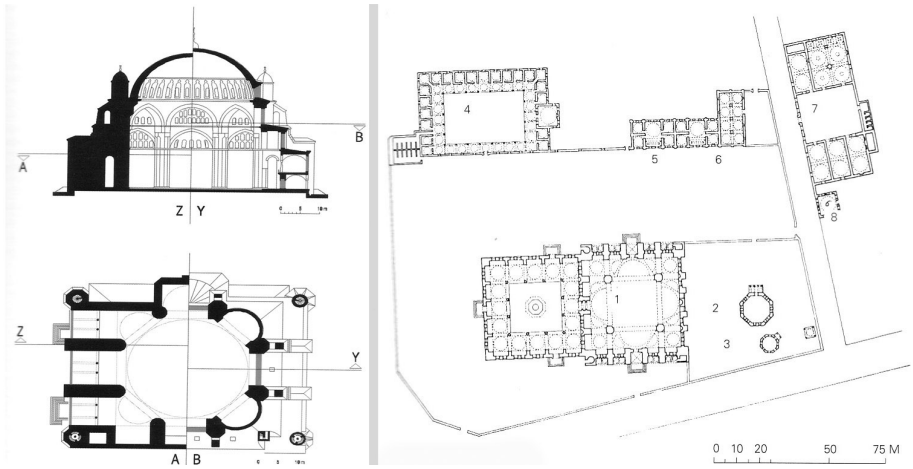
شبستانی هشت ضلعی

در نهایت دستیابی به فضای وسیع در زیر گنبد مرکزی تنها نیازمند برداشتن یک گام دیگر بود. و معمار سینان کسی بود که گام آخر را برداشت. وی نیم گنبدها را حذف نمود، بجای آنها گنبد مرکزی را بربالای فضای هشت ضلعی بنا نهاد که در آن گنبد ۳۱ متر ارتفاع و ۲۸ متر قطر داشت. نتیجه این فرایند ساخت مسجد سلیمیه ادرنه (۷۵-۱۵۶۹) بود (شکل شماره ۷).

ایوان سرپوشیده ستوندار

ایوان های ستوندار سرپوشیده در مساجد سلجوقی سابقه نداشته است. این نوع فرم معماری برای اولین بار در دوران حاکمیت امیرنشین کارامان اوغلو در ۱۳۰۲ در مسجد جامع ارمناک ایجاد گردید. در شبستان این مسجد سه دالان بموازات هم از ورودی در شمال تا دیوار قبله در جنوب امتداد داشتند. اما ایوان سرپوشیده در این مسجد در ضلع شمالی بنا نبوده بلکه در ضلع غربی آن قرار گرفته است. بدین ترتیب عمود بر دالان ها قرار گرفته است. همچنین ایوان های سرپوشیده مساجد سیپاس (۴۹-۱۳۰۶) و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



شکل ۶. (سمت راست) مسجد شاهزاده؛ ماخذ: Günay, reha. ۲۰۱۴: ۶۹؛ و شکل ۷. (سمت چپ) مسجد سلیمیه ادرنه؛ ماخذ: Günay, reha. ۲۰۱۴ : ۵۳

آق مسجد (۱۳۰۰) که آنها هم در شهر ارمنک ساخته شده‌اند بهمین شکل در ضلع غربی بنا می‌باشد. ایوان سرپوشیده در امتداد دیوار شمالی و موازی با دیوار قبله نیز اولین‌بار در امیرنشین عثمانی در بنای حاجی ازبک که در ۱۳۳۱ ایزنیک ساخته شد، و در امیرنشین آیدین اوغلو در ۱۳۳۴ در مسجد عمارت سبز تیره ظهور نمود. مسجد اورهان بیگ در بورسا (۱۳۳۹) نیز دارای ایوان سرپوشیده است. بعد از نیمه دوم قرن چهاردهم مساجد جدیدی که ساخته می‌شدند همگی دارای ایوان سرپوشیده بودند. در شمال آناتولی در یکی از روستاهای کاستام اونو بنام کِماه امیر اسماعیل اوغلو خلیل بیگ از خاندان جاندار اوغلو مسجدی بنام خلیل بیگ(۱۳۶۳) ساخت. این مسجد نیز دارای ایوان سرپوشیده است. این ساختار معماری در کاملترین شکل خود معمولا با حیاط سرپوشیده ترکیب می گردید.

صحن(میانسرا)

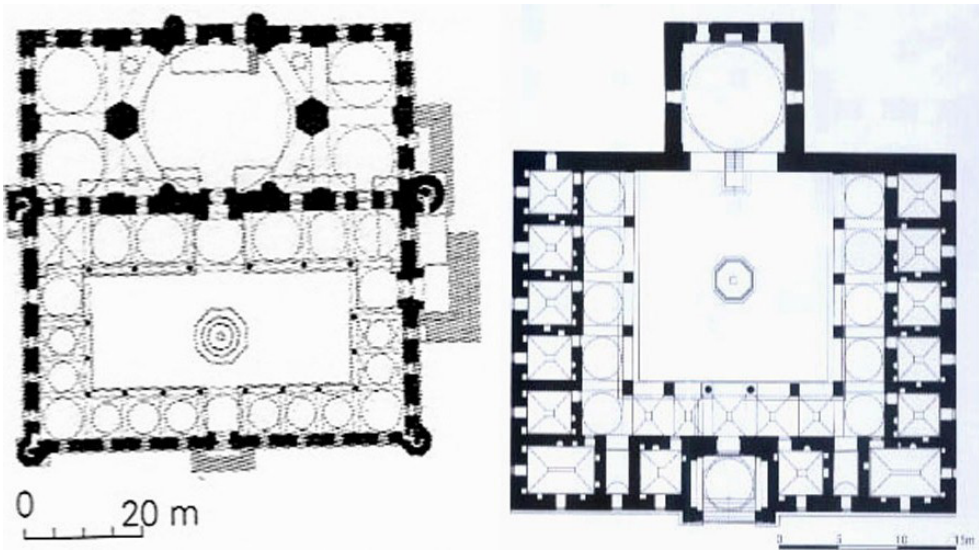
در مساجد سلاجقه همواره فضایی بنام حیاط در مقابل ساختمان که توسط رواق های سرپوشیده محصور گردیده باشد دیده نمی-شود. اما در دوران بی لیک مسجد علاالدین در سینوپ (۱۲۶۷) بعنوان اولین مسجد حیاط دار ساخته شد. مسجد مزبور که به خاندان پروانه اوغلو متعلق است دارای حیاطی رواق دار است. در داخل بنا، یک فضای مستطیلی شکل وجود دارد که به دو فضای کوچکتر با اندازه برابر تقسیم شده است، فضای اول بعنوان حیاط رواق دار است. زیباترین نمونه اولیه مسجد رواق دار در دوران حاکمیت خاندان ساروخان در شهر مانیسا و در مسجد اسحاق بیگ اجرا گردید. بعد از آن نیز در منطقه تحت تسلط خاندان آیدین اوغلو مسجدی که پیشینه‌اش به دوران سلاجقه می رسید توسط معماران آیدین اوغلو بدین شکل بازسازی گردید. مساجد ساخته شده امیرنشین عثمان اوغلوها در شهرهای ایزنیک و بورسا فاقد حیاط هستند. اولین نمونه مسجد دارای حیاط در معماری عثمانی در شهر ادرنه و در زمان حکومت سلطان مراد دوم (۱۴۴۷) مسجد اوچ شرفلی بود. این مسجد که در بالای شبستان دارای گنبد مرکزی بزرگی بود در ایوان سرپوشیده نیز سقفی داشت که ردیف گنبدهای نیمدایره کوچک آنرا پوشش می دادند. دورتادور حیاط دارای رواق بود و در وسط آن بنای وضوخانه قرار داشت. این مسجد در واقع پیش زمینه ساخت مسجد بایزید بود. مدرسه مرادیه بورسا نیز نمونه دیگر این گروه از ابنیه می باشد (شکل شماره ۸).

سردرهای ورودی

سردرهای ورودی در معماری سلجوقی اعم از اینکه بنا مسجد باشد یا مدرسه در بخش بیرونی بنا یک عنصر بسیار با اهمیت شمرده می شدند. به دلیل

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شکل ۸. سمت راست: مدرسه مرادیه بورسا و سمت چپ: مسجد اوچ شرفلی ادرنه؛ ماخذ: Kuban, ۲۰۰۷: ۱۱۵)



همین اهمیت ارتفاع سردرها بیشتر از ارتفاع خود بنا بود و تمام سطح آنها با سنگ های حجاری شده با نقوش هندسی، خوشنویسی، کتیبه و نقوش گیاهی و انتزاعی آراسته می شد. تداوم این سبک را در دوران بی لیک در سردرهای مدارس کارامان می بینیم. این سبک در سردر مدرسه تول ارمنک و آق مدرسه نیغده در دوران بعد نیز دیده می شود، اما نکته قابل توجه اینست که در دوران بی لیک به مرور تزئینات پرکار سردرهای ورودی جزو موارد غیرضروری و کم اهمیت دانسته شدند. و از اینرو بتدریج از حجم تزئینات و هنرنمایی های روی سردرها کاسته شد. دقت و تامل در سردرهای دوران حاکمیت امیرنشین های غرب آناتولی چون آیدین اوغلو، منتشه اوغلو، و عثمانی بخوبی این مطلب را اثبات می نماید. برخی از محققین مشکلات کمبود ابزار و توان مالی پایین حاکمیت های آن دوران را علت اصلی ساده سازی سردرها دانسته اند. درحالیکه در بناهای دوران سلاجقه استفاده از سنگ هم بعنوان مصالح اصلی و هم بعنوان زمینه ایجاد تزئینات به فراوانی مورد استفاده بوده است، لکن در دوران بی لیک در بناهایی همانند : اورهان بیگ در بورسا (۱۳۳۹) مسجد عیسی بیگ در سلجوک، مدرسه احمد غازی در پچین۹ امیرنشین منتشه اوغلو (۱۳۷۵)، مسجد الیاس بیگ در بالات (۱۴۰۴)، جبهه های مختلف نمای بنا فاقد تزئین حجاری های سنگی بوده و تنها تزئینات بسیار ساده و کمرهای تزئینی جایگزین حجاری های پرکار سنگی شده بودند. این بناها را می توان نمونه های اولیه و موفق سردرهای ساده با حداقل تزئین دانست. سردر مستطیل مدرسه احمد غازی تنها با تزئینات تودرتو دایره ای شکل و کمرتزئینی آراسته شده بود. همین روند ساده نمودن تزئینات را در مسجد الیاس بیگ بالات می بینیم سردر ورودی بنا با پنجره های آجری اطرافش و کمرهای کوچک بالای آنها تزئین گردیده بود. بناهای اولیه عثمانی نیز، اعم از ابنیه بورسا و ابنیه ایزنیک نیز دقیقا از همین روند پیروی می نمودند.

تزئینات سطوح دیوارها

در معماری سلجوقی تزئیناتی که بخش برآمده دور چارچوب در را به سردر تبدیل می نمود بیانگر یک ایده و سبک خاص بود. دیوارهای مساجد اعم از دیوارهای حیاط یا دیوارهای بدنه بنا دارای تزئینات کمری بودند. همین روند در دیوارهای اصلی مدارس سلجوقی نیز منظره ای از یک بنای بسیار مستحکم برای آن ساختمان ایجاد می نمود. سبک مزبور تبدیل به فرم و تیپ رایج گردیده بود. در دیوارهای جبهه بیرونی مساجد، شاهد پنجره هایی هستیم که در دو

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

ردیف روی هم قرار می گرفتند این کار هم به لحاظ تکنیکی و هم به لحاظ ساختاری انجام می پذیرفت.در معماری دوران بی لیک تداوم همین روند دیده می شود با این تفاوت که ترتیب و توازن فضاهای پر و خالی نیز مدنظر قرار داده می شود. مسجد سبز در بورسا، عمارت فیروز بیگ در میلاس، مسجد عیسی بیگ در سلجوک، نمونه های کامل و اولیه این فرم هستند. فرم تکامل یافته این تکنیک را همراه با تزئینات پرکارتر در مساجد اولیه عثمانی نیز مشاهده می کنیم. ردیف پنجره های طرفین دیوارهای شرقی و غربی سلیمانیه، صرفا برای روشنایی داخل مسجد نمی-باشد. بهمین ترتیب پیش آمدگی نیم گنبدها بطور وسیع برای کمربندها، و هم سطحی که کمربندها بر روی آن پیچ خورده است. در تمامی این بخش ها فضاهای پر و خالی با یک حالت توازن و برابری اجرا گردیده اند. توازن فضاهای پر و خالی، در نماهای مساجد، در برخی موارد با پوشش قطعات بزرگ سنگ مرمر خود را نشان می دهد. نمای عمارت فیروز بیگ در میلاس، مسجد عیسی بیگ در بالات و مسجد جامع بیرگی، با استفاده از سنگ های مرمر تراش خورده پوشانده شده است. همین روند در فضاهای داخلی این بناها نیز اعمال گردیده است.

توازن و هماهنگی فضاهای داخلی و بیرونی

مساجد و یا مدارس سرپوشیده دوران سلاجقه در نمای بیرونی فقط از جبهه جلویی قابل مطالعه و بررسی هستند. در طرفین و نمای پشت ساختمان دقت و ظرافتی در تزئین بنا وجود ندارد و عموما فاقد تزئین هستند. همچنین براساس مشاهدات، آنچه که در نماهای بیرونی دیده می شود با تزئینات داخل بنا مناسبت و هماهنگی ندارد. در نماهای طرفین و پشت، باتوجه به اینکه گنبد بزرگ و سردر ورودی وجود ندارد، بین گنبد و بدنه ساختمان یک نوع عدم تناسب آشکاری به چشم می خورد. در نقطه مقابل در معماری دوران امیرنشین ها در نمای بیرونی ساختمان ایجاد نوعی هماهنگی و توازن آغاز گردید، و تزئینات داخل و بیرون بناها بگونه ای هماهنگ و متناسب گردیدند. عمارت فیروز بیگ، مسجد عیسی بیگ، مسجد الیاس بیگ، از این دیدگاه نمونه های موفق اولیه بشمار می روند. با ادامه همین روند در دوران های بعد، عموما تضاد در قسمت های داخلی و بیرونی بناها از میان برداشته می شود. بگونه ای که در عناصر اصلی ساختمانی در سطوح و بخش های مختلف مسجد سلیمیه و یا سلطان احمد دیده می شود فضاها به لحاظ قرارگیری عناصر و ایجاد تزئینات کاملا در حالت توازن و برابری فضاهای داخلی و خارجی قرار می گیرند. بعنوان نمونه می-توان مناره های سلجوقی را ذکر نمود، مناره مسجد سبز ایزنیک، و یا مناره مسجد الیاس بیگ در نوعی حالت عدم توازن قرار داشته اند گویی که زائده ای غیرضرور هستند، اما در دورانبی لیک مناره ها به توازن و هماهنگی می رسند. و سازه مناره تبدیل به یک عنصر جدانشدنی از بدنه اصلی ساختمان می گردد.

نتیجه گیری و جمعبندی

هنر سلجوقیان ادامه‌ای از نقش‌های آغازشده در دوران های پیشین بود که در آن ایران کهن مندرج گشته بود. باز این هنر هم به دست ترکان به آناتولی و شام برده شد و نفوذ ایرانی در غرب جهان اسلام شایع گشت. مهمترین ویژگیهای معماری و شهرسازی دوران سلجوقی که در تمدنهای معاصر و متاخر آنها تاثیرگذار بوده است، عبارتند از:

۱- در دورهٔ سلجوقی یک سبک و روشی خاص و مستقل به وجود آمده که در سایهٔ تشویق و حمایت پادشاهان سلجوقی ایجاد شده و دارای خصوصیات خاصی است که از جمله عظمت بنا و استحکام آن است. در این روش تصاویر موجودات جاندار که تقلیدی است از طبیعت، به کار رفته و از جمله خصوصیات دیگر آن به کار بردن تزیینات و اشکال برجسته ای است که به خصوص در قسمت نمای ساختمان های این دوره به کار می رفته است. دیگر استفاده از خطوط کوفی و نسخ در تزیین جبههٔ ساختمان ها.

۲- آن چه در ساختمان های دینی این دوره قابل دقت و ملاحظه است، این است که فقط منحصر به مساجد نبوده، بلکه در دورهٔ سلجوقی ساختن قبور و مزارها به

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شـکل اسـتوانه و یا کثیرالاضلاع هم رواج داشـته است.
۳- از نظر توسـعهٔ هنرها به ویژه معماری ،عهد سلجوقیان یکی از دوره های درخشـان هنری است.
۴- سـازمان هـای تعلیمـات عالـی یعنـی دانشـگاه ها در نیمـهٔ دوم قـرن پنجـم هجری بـه اوج کمال خود رسـید و ایـن کار بـه دسـت خواجـه نظـام الملک وزیرسـلاجقه صـورت گرفت که سلسـله‌ای از مدارس بـه نام «نظامیه» در بغداد و نیشـابور و شـهرهای دیگر تأسـیس کرد؛شکل اصلـی این مدارس و آموزشـگاه ها که امـروز اثری از آن ها باقی نیسـت از مسـاجد اقتباس شـده اسـت. با این تفاوت که در مدرسـه ایوان بزرگ به کلاس‌های درس و سـمینار و ایوان‌هـای کوچک به اتاق دانشـجویان ختم می‌شـد، در صورتـی کـه در مسـجد عموماً ایـن ایوان‌ها به شبسـتان مربـوط می‌گردید
۵- از دیگـر ممیـزات و خصوصیـات عمـده ای کـه در سـاختمان های دورهٔ سـلجوقی مشاهده می شود و تقریباً در تمـام آثـار معمـاری آن دوره عمومیـت دارد، عظمـت و اهمیـت مدخـل بنـا اسـت. همچنیـن تنـوع در تزیین درهایـی کـه در سـاختمان‌ها وجـود داشـته اسـت.
۶- در دورهٔ سـلجوقی سـاختمان گنبـد و شبسـتان نیـز پیشـرفت زیـادی کـرده و سـاختمان هایی با این سـبک برپا شـده اسـت و این پیشـرفت در مسجد جامع اصفهان و مخصوصـاً در آن قسـمتی که در دورهٔ ملکشـاه سـاخته شـده نمایان اسـت.
۷- اسـتفاده از عناصـر جدیـد معمـاری و پیشـرفت‌های تکنیکـی خاصـه در زمینهٔ برپایی گنبد بـر مقاطع مربع از دیگر خصوصیات برجسـتهٔ معماری دورهٔ سـلجوقی است.
۸- در زمـان سـلجوقیان سـبک جدیـدی از معمـاری مسـاجد از توسـعه و تکمیـل چهـار تاقی ساسـانی ظهور مـی یابد که از آن پس عنصری مهم در معماری اسـلامی می شـود و آن نقشـهٔ چهـار ایوانی اسـت که ایـوان رو به روی محـراب بزرگتر اسـت.
۹- سـاختن حیـاط مرکـزی و چهار ایـوان در اطـراف آن، اسـاس معمـاری مذهبـی، کاروان‌سراسـازی و مدرسـه سـازی ایـران را تشـکیل مـی دهـد. در معماری مدرسـه و در کاروانسراسـازی، همـان اصـول رعایـت مـی گردیـد کـه در مسـجد سـازی، بـا ایـن تفاوت کـه لزوماً بـه جای شبسـتان، اتـاق هایـی جهـت سـکونت یـا اسـتراحت مسـافران می سـاختند. در کاروان سـراها چهارپایان را در محوطه‌های بزرگ پشـت سـاختمان به مـوازات حجره‌ها طـوری می‌سـاختند کـه مدخـل آن هـا در چهـار زاویـهٔ صحـن حیاط قـرار می گرفت، در کاروان سـراهای بزرگتر عـلاوه بـر بناهـای لازم، اقـدام بـه احـداث بـازاری در دو طـرف داخـل کاروان سـرا می کردند، همچنیـن در محل مناسـبی کـه دور از جنجـال و صـدا بـوده اسـت، محلـی شـامل اتـاق و حـوض خانـه بـه صـورت جداگانـه بـرای اسـتراحت شـخصیت های برجسـته می سـاختند.
۱۰- تأثیر زیاد سـاختمان مسـاجد از بناهای مـدارس در ایـن دوره بـه اوج خـود رسـید و اسـتفاده از صحن حیاط مسـتطیل در مـدارس بـه اضافـهٔ گنبدهـای عظیـم جزء لاینفک مسـاجد زیبـای ایـن دوره گردید.
۱۱- مسـجد سـازی دورهٔ سلجوقی تلفیقی از چهار عنصر اصلی اسـت که عبارتند از مکان مرکزی و مسـقف، گنبد، ایـوان و صحـن. بخـش مرکـزی صحـن فراخیِ اسـت که دورادور آن را رواق هـا محیـط کرده‌اند.
۱۲- در دورهٔ سـلجوقیان سـاختمان هـای دینـی از قبیل مسـاجد و مـدارس و زیـارت گاه هـا و مقبـره هـا بـر سـاختمان های غیر دینی رجحان داده شـد و این نشـانهٔ کامیابـی اقتصـادی آن زمان اسـت.
۱۳- در دوره سـلجوقیان معمـاری و طراحـی در مرحلـهٔ آزمایشـی بود.
۱۴- کوشـش سلجوقیان بیشتر در ساختمان هایی از نوع مسـجد متمرکز گردیده بود، که در قرون اولیهٔ اسـلام در ممالـک مختلف و نواحی اشـغالی به صـورت خاصی بروز کـرد و در ایـران بـا عوامل و عناصر معماری ساسـانی قبل از اسـلام ترکیـب شـد و شـکل مشـخص ایرانی بـه خود گرفت.
۱۵- به نظر می آید که عده ای از مسـاجد دورهٔ سـلجوقی تحـول تدریجـی الگوی کلی مسـاجد ایرانی را نشـان می دهنـد، ولـی وحدت ترکیـب در این نوع مسـجد در اواخر ایـن دوره صـورت وقوع یافت.
۱۶- سـلجوقیان در رشـتهٔ معمـاری از ایجاد سـبک ها و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بناهـای قبل از اسـلام و قبـل از دورهٔ خود پیـروی کردند. در معمـاری این دوره فرم های زمان ساسـانی با اسـتادی ادامـه داده شـد و خصوصیـات مهم مانند سـاختن گنبد، ایوان و محوطهٔ مسـتطیل بناهای مذهبـی و غیر مذهبی متـداول گردید.

۱۷- مقبـرهٔ برجـی در معماری سـلجوقی اهمیت داشـت و در دورهٔ ایلخانـان از آن هـا بـه عنوان الگو اسـتفاده شـد.

۱۸- معمـاری سـلجوقی شـکل ابتدایـی سـبک ایلخانی اسـت و در طی یک دورهٔ سـیصد سـالهٔ معماری در ایران سـیر منظـم تکامـل را طی کرده اسـت.

۱۹- ایوان های دورهٔ سلجوقی پهن و بزرگ است.

۲۰- ضخامـت دیـوارهٔ ایوان‌هـای سـلجوقی نسـبت و در مقایسـه بـا دوره‌های بعدی بیشـتر اسـت.

۲۱- معماری سلجوقی مؤقر و نیرومند و دارای ساختاری بغرنـج بـود، ولی ایـن همه نـه ناگهانی بود و نـه تصادفی، بلکـه تجلی متعالی یک رسـتاخیز ایرانی بود کـه در اوایل سـدهٔ سـوم با سـامانیان آغاز شـد. این رسـتاخیز در زمان سـلجوقیان به اوج خود رسید.

۲۲- اسـتفاده از آجـر بـه جای سـنگ، ایجـاد نقش های هندسـی در آجرکاری بنا، نقش اندازی های آجری که به وسـیلهٔ تورفتگی و بیرون نشستگی رگچین آجرها حاصل می شـد و همین طور اسـتفاده از قطعات موزاییک کاشی و آجـر و ایجـاد کتیبـه هایـی از آجـر تراشـیده از ویژگی برجسـتهٔ معماری این دوره اسـت. البته بعد از تبدیل خط کوفـی به خط نسـخ، تراشـیدن آجر و تشـکیل حـروف و کلمـات ایـن خـط بـا دشـواری‌هایی مواجه می شـود، لذا کتیبـه ها و تزیینـات آجری کم کم از بین مـی رود و گچ بـری جایگزین آن مـی گردد.

۲۳- اولیـن کوشـش در بـه کاربـردن کاشـی در دورهٔ سـلجوقی بـه عمـل آمـد .مهم‌ترین مرکـز تولید کاشـی نیـز شـهر کاشـان بوده‌اسـت کـه از آنجـا کاشـی‌های رنگـی بـه دورترین نقاط خاورمیانه ارسـال می‌شده‌اسـت. کاشـی‌هایی کـه بـا تکنیـک طلایـی ساخته‌می‌شـد در مقابـل نـور آفتـاب دارای رنگ‌هـای پرطاوسـی الوانـی می‌باشـد. بـه ویـژه وقتـی کـه در خـارج از سـاختمان به کار رونـد دارای زیبایـی خاصـی می‌باشـند. رنگ‌هایی که در اوایـل ایـن دوران به کار می‌رفته عبارتند از: سـیاه، آبی سـیر و روشن.

۲۴- مقرنس کاری از خصوصیّات معماری سلجوقی بود.

۲۵- معماران و سـازندگان دورهٔ سـلجوقی سـعی داشتند طاق‌هایـی بـا حداقـل قالب و چوب بسـت بنـا کنند.

۲۶- مقطـع سـفلای گنبدهـای دورهٔ سـلجوقی در پـس دیوارهـای عظیـم از نظـر دور می‌مانـد.

۲۷- تـاق ضربـی در دورهٔ سـلجوقیان رواج داشـت ولـی چـون اسـتعمال این تاق‌هـا روی سـقف، بیـن فواصل دو جـرز، منجـر بـه مشـکلاتی در سـاختمان زوایای گوشـهٔ صحـن می‌شـد و از سـویی فرصـت زیـادی بـرای عرضـهٔ مهـارت فنـی نمـی‌داد؛ به همین جهـت در بناهـای دورهٔ سـلجوقی بـه جـای تـاق ضربی، تاق گنبد شـکل بـه کار برده شـده اسـت.

۲۸- در دورهٔ سـلجوقی فشـار گنبدهای آجری به وسـیلهٔ شـمع‌گذاری یا بـه اتّکای دیوارهای ضخیـم زیرین گرفته می شد.

۲۹- گنبد دو بر در ایران، در دورهٔ سلجوقی آغاز شد.

۳۰- ابـداع محـراب هـای مسـطح و بـدون فـرو رفتگی از دیگـر ممیـزات و ویژگـی های معماری سـلجوقی اسـت؛ ایـن محـراب هـا دارای اشـکال و نقش هایی خـاص بود و محرابـی را مجسـم می کـرد که دو سـتون در طرفین آن قرار گرفته باشـد.

۳۱- از ممیّـزات دیگـر این سـبک اسـتفاده از گـچ بری و کاشـی های لعـاب صدفی در تزیینات داخلی مسـاجد به خصوص در تزیین محراب ها، اسـتفاده از خشـت کاشـی هایـی سـتاره صلیـب (شمسـه و چهـار پـر صلیـب) و بـا نقـوش انسـانی، حیوانی و گیاهی بسـیار زنـده و جاندار و تحـول و ابداع خطوط جدیدی منتزع شـده از خط کوفی بـه اشـکال مختلـف گلـدار و اسـتفاده از ایـن خطـوط در تحریـر و تزییـن آثـار و بـه کار گیری آن به شـکل کوفی بنایـی در آجـر کاری و معقلی بناهاسـت.

۳۲- در دورهٔ سـلجوقیان، خـط زیبـای نسـخ بـا قواعـد و مشـخصات ویـژه‌اش توسـعه می‌یابـد.

۳۳- معمـاران دورهٔ سـلجوقی در مقبـره هـا، اهمیت را به فضا هـای بیرونی مـی دادند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۳۴- فضای مقبره ها در دورهٔ سلجوقی بسته تر بود.
۳۵- از دیدگاه تزیینات، دورهٔ سلجوقیان دورهٔ تزیینات با مصالح به شکل اولیه محسوب می شود. هر چند در نمونه های پایانی به رنگ بر می خوریم اما محور عمدهٔ تزیینات بنا را در این دوره سایه و روشن تشکیل می دهد. فضای اکثر بناها در این دوره فضایی جدی، سنگین و بدون رنگ است و گرایش تزیینات نیز از ساده به پیچیده است. در کتیبه‌هایی که در بناهای این دوره داریم معماران و خوشنویسان تنها از یک خط استفاده کرده اند و آن خط کوفی است.

برخی تفاوتهای مساجد ایرانی و آناتولیایی عبارتند از:

۱- فرق فضای گنبد دار ایرانی با آناتولی در این بود که در ایران اتاق گنبددار پشت ایوان قبله از بقیه مسجد جدا بود امّا در آناتولی برعکس ایران، در پی راهی برای ترکیب فضای اصلی گنبد دار با بقیه فضای اطراف بودند.

۲- نحوهء ورود به حیاط مساجد ایرانی، یا ازطریق یکی ازچشمه های فرعی در کنج حیاط صورت می گیرد، و یا از پشت یکی از ایوانهای فرعی. در این حالت بعد از سردر ورودی و هشتی دقیقاً پشت ایوان قرار می گیریم اما امکان ورود نیست. در واقع این عنصر از ورود مستقیم جلوگیری کرده و فقط ارتباط بصری برقرار می کند. امّا هنگام ورود از حیاط به گنبد خانه کاملاً از محور مرکزی وارد می شویم که این نحوهء متفاوت ورود نشان از وجود سلسله مراتب در بناست. امّا در مساجد آناتولی چنین سلسله مراتبی وجود ندارد. ورود به حیاط کاملا در یک محور مستقیم صورت میگیرد،و ورود به گنبدخانه و شبستان، گاهی با عبور از حیاط و رواق های اطراف آن و گاهی از بیرون محوطه مسجد و با ورود مستقیم به شبستان صورت می گیرد.

۳- در مساجد ایرانی همواره شبستانها به صورت چهل ستونی می باشند که گاهی در طرفین گنبدخانه و گاهی مجزا از آن قرار می گیرند. در مساجد آناتولی فضای گنبدخانه و شبستان در هم ادغام شده و شبستان چهار ستونی را بوجود آورده که گنبدخانه در مرکز آن و بر فراز آن قرار دارد.

در پایان باید گفت که؛ هنر و معماری اسلامی ترکیه همانند سایر ممالک اسلامی با ورود مسلمانان و ساخته شدن اولین مساجد آغاز گردید. در پی قدرت یافتن سلجوقیان ایران و اعزام شاخه‌ای به آناتولی تحت عنوان سلاجقه روم معماری آناتولی شکوفایی و توسعه قابل توجهی یافت چرا که ترکیب معماری بومی آناتولی با هنر و معماری ایرانی سبک جدید و دارای استحکامی را ایجاد نمود. اما افول سلاجقه روم باعث رکود سیاسی و اجتماعی سرزمین آناتولی گردید که تا دوران برپایی عثمانی ها تداوم داشته است. ازاینرو تا چندین دهه پیش بسیاری از محققین معتقد بودند که معماری نیز همانند سایر ارکان های اجتماعی در این دوران، دوره فترت خود را سپری می نموده است. بررسی و تحلیل روند رو به رشد معماری دوران بی لیک در نوشتار حاضر به روشنی نشان داد که هیچگاه معماری اسلامی سرزمین آناتولی پویایی خود را از دست نداده است. و دوران امیرنشین های خودمختار ضمن انتقال تجربیات سبک ها و فرم های معماری و تزئینات وابسته آن به دوران عثمانی، حتی تحولات مثبت چشمگیری نیز بدان افزوده گردیده است. برای نمونه، برخی از محققان و مستشرقین غربی الگوی اولیه مساجد با فضای وسیع و باز در داخل را مسجد بایزید دانسته‌اند با این تفاوت که آنرا نیز الگوبرداری شده و کپی شده از پلان ایاصوفیه می دانند. در حالیکه بررسی و تحلیل هنر و معماری دوران بی لیک به روشنی نشان می دهد که دستیابی به شبستان های وسیع که نیازمند ساخت گنبدهای متعدد بزرگ بود در طی یک روند تدریجی و طولانی اتفاق افتاده است. همچنین در دوران حاکمیت امیرنشین های خودمختار، سبک های مختلف معماری در بناهای مختلف نواحی مختلف دارای سبک و فرم یکپارچه و واحدی گردیدند، و هنر و تزئینات دوران سلجوقی همانند کمربندهای تزئینی، مقرنس ها، سردرهای ورودی، حجره ها، ابتدا در ادرنه ظهور نموده سپس از آنجا به استانبول انتقال یافت که در نهایت منجر به ایجاد نمونه های ماندگار دوران اولیه عثمانی گردید.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

منابع و ماخذ

اردلان، نـادر و لالـه بختیـار (۱۳۹۰) «حـس وحـدت»، ترجمـه ونـداد جلیلـی، انتشـارات علـم معمار.

بپورجعفـر، محمدرضـا و میتـرا آزاد (۱۳۸۹) «تاثیر چهار طاقـی هـای ایـران باسـتان در معمـاری مسـاجد و تداوم آنهـا در معماری مسـاجد کشـورهای همسـایه»، دومین همایـش معماری مسـجد.

پیرنیـا، محمدکریـم و غلامحسـین معماریـان (۱۳۸۶) «سـبک شناسـی معمـاری ایرانـی»، انتشـارات سـروش دانـش.

خـان محمـدی، محمـد علـی(۱۳۸۹) «معرفـی الگـوی شبسـتانهای چهارسـتونی»، دومیـن همایـش معمـاری مسجد .

سـلطانزاده، حسین (۱۳۸۴) «فضاهای ورودی در معماری سـنتی ایران»، انتشـارات دفتر پژوهش های فرهنگی.

شـوازی، آگوسـت (۱۳۸۶) «تاریـخ معمـاری»، ترجمـه لطیـف ابوالقاسـمی، انتشـارات دانشـگاه تهـران.

فریتـر،کارل (۱۳۵۹) ترجمـه مسـعود رجب نیـا، «آرایش سـاختمانهای ایرانی و عثمانی، تبادل شیوه های معماری در سـده‌های یازدهم تا چهاردهم میلادی (ششـم تا نهم هجری)»، مجله هنـر و مردم.

گابه،هانـس (۱۳۷۶) «مسـاجد ایرانـی»، ترجمـه سـید محمـد طریقـی، فصلنامـه هنـر، ش۳۳.

گودویـن، گادفـری (۱۳۸۸) «تاریـخ معمـاری عثمانـی»، ترجمه اردشـیر اشراقی، انتشـارات موسسه تالیف، ترجمه و نشـر آثار هنـری «متن».

نصـرت پـور، دریـا و دیگـران (۱۳۹۴) بررسـی تطبیقـی معمـاری ابنیـه مذهبـی دوره بیزانـس در ترکیـه بـا ابنیه مذهبی دوره سـلجوقی در ایران، مدیریت شـهری، شماره ۳۹.

لوئیـس، برنـارد (۱۳۶۵) «اسـتانبول و تمـدن امپراتـوری عثمانـی»، ترجمـه مـاه ملـک بهـار، انتشـارات علمـی فر هنگی

متدین، حشـمت الله (۱۳۸۶) «چهار طاقی گنبددار نقطه عطف معماری مسـاجد ایرانی»، هنرهای زیبا، ش۳۱.

محمدیـان منصـور، صاحـب (۱۳۸۶) «سلسـله مراتـب مَحرمیـت در مسـاجد ایرانـی»، هنرهـای زیبـا، ش۲۹.

میشـل، جـرج (۱۳۸۸) «معمـاری جهـان اسـلام، تاریـخ و مفهـوم اجتماعـی آن»، ترجمـه یعقوب آژند، انتشـارات مولی.

هیلـن برانـد، رابـرت (۱۳۷۷) «معمـاری اسـلامی، فـرم عملکـرد معنـا »، ترجمه ایرج اعتصام، انتشـارات شـرکت پـردازش و برنامـه ریزی شـهری.

Akıncı, Ş. (1995) "İstanbulun Fethinde lale Devrine Kadar Omanlı Kagir mimarisinde Yapim Teknikleri", Yayinlamamis Doktora Tezi. İstanbul.

Akmaydali, H. (1994(Mihrablı ve Minberli Namazgâhlarımız, Vakıflar Dergisi, Vol.23. Pp : 123-143.

Altınay, A. R. (1924) Mimar Sinan, Alimler ve sanat-karlar. İstanbul.

Günay, Reha. (2014) "Sinanın İstanbulu, Osmanlı Başkenti İstanbulu Taçlandıran Mimar Sinan Yapıları", 3.Baski, Yapı-Endüsteri Merkezi Yayınları, İstanbul.

Karasu, Cezmi. (2009) "Anadolu Selçuklu Mimarisi", Türk Sanatı Tarihi Notları, Eski Şehir Üniversitesi.

Kihtir, Tuğrul. (2012) "Beylikler ve Eserleri, Anadolunun Beyleri", 1.Baski, Boyut Mataacılık, İstanbul.

Kuban, Doğan. (2007) "Osmanli Mimarisi", Yapı-Endüsteri Merkezi, İstanbul.

Oğuz, Zeynep. (2006) "Multi-Functional Buildings of the T-Type in Ottoman Context : A Network of Identity and Territorialization", A Thesis Submitted of the Graduate School of Social Sciences of Middle East Technical University, in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts in History of Architecture.

Savaş, Yıldırım. (2007) "Bursa Yeşil Cami Mihrabı", Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Dergisi, Cilt 47, Sayı 1, Ankara.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]